رضا رویگری در نمایش علی حاتمی

نمایش کمدی موزیکال «حسن کچل» نوشته زنده‌یاد علی حاتمی و به کارگردانی امید اسدی از فردا نهم مرداد اجرایش را آغاز می‌کند. بازیگران این اثر علی فتحعلی، رضا رویگری، عباس بهمنش، داود اسدالهی، بیتا بزم‌آور و... هستند. اگر می‌خواهید یکی از تماشاگران این نمایش باشید از فردا هر شب ساعت ۲۱ فرصت دارید خودتان را به تماشاخانه ایران تماشا برسانید.

بوی فوتبال در تئاتر ایران

چندی پیش بود که سعید دشتی، نمایشی کارگردانی کرد با عنوان «دریبل» و حالا نمایش دیگر او با نام «لیگ قهرمانان، مرحله گروهی» هم زمینه فوتبالی دارد و از فرداشب با بازی بهاره رهنما، علی اوجی، سعید زارعی و ریحانه پارسا در تماشاخانه نوفل لوشاتو روی صحنه می‌رود.

خاطره تئاتر

حرف‌های تئاتری خمسه پس از حاشیه‌ها

علیرضا خمسه این روزها به‌شدت در کانون توجه است؛ توجه‌هایی که هم بار منفی دارند هم مثبت. جدای از این‌که کنار گذاشته شدن او از مجموعه تلویزیونی «پایتخت» علاوه بر واکنش‌هایی که گفتیم، همدلی‌هایی را نیز با او برانگیخته است. انتشار بخشی از یك استندآپ‌کمدی در خارج از کشور، او را با موج انتقادها مواجه کرد اما انتشار خبر کنارگذاشته شدنش از سری ششم پایتخت، سریالی که او هشت سال با آن و با نقش باباپنجعلی زیسته بود، فضا را کمی برایش تلطیف کرد. خمسه در سابقه کاری خود نقش‌آفرینی در بیش از ۳۰ فیلم سینمایی و ۶۰ تله‌فیلم، سریال و برنامه تلویزیونی و چندین تئاتر را دارد، حالا درحال اجرای یك تور جهانی تئاتری به نام «بگومگو» است و برای روی صحنه بردن آن به کشورهای متعددی سفر می‌کند. البته او چند هفته قبل برای بررسی پیشنهاد بازی در یك فیلم سینمایی مجبور شد با وقفه‌ای در برپایی تور تئاتری‌اش، به تهران برگردد و اگرچه آن پروژه سینمایی به سرانجام نرسید، اما خبرگزاری ایسنا فرصت را غنیمت شمرده تا طی روزهای حضور این هنرمند در ایران، گفت‌وگویی با او ترتیب دهد؛ گفت‌وگویی که در آن، پای تئاتر بیش از دیگر حوزه‌های فعالیت خمسه به میان آمده است و از همین رو ما در جام‌جم این بخش‌ها را برایتان گزینش کرده‌ایم.

وقتی از فرانسه برگشتم مهدی هاشمی مرا به بهرام بیضایی معرفی کرد. فکر می‌کردم او در مقایسه با ایده‌آل‌های من، آدم بزرگی نیست، به همین علت گفتم دوست ندارم با یك آدم معمولی کارم را شروع کنم. بعد از آن بارها گفتم فکر می‌کردم «مرگ یزدگرد» ضعیف‌ترین کار رزومه من خواهد بود، اما الان بعد از ۴۰ سال درخشان‌ترین کار من است. جالب این است که آن را با اکراه قبول کرده بودم و اگر اصرار مهدی هاشمی نبود، احتمالا در آن بازی نمی‌کردم».

اولین تئاتری را که دیدم دقیق به یاد نمی‌آورم، اما شاید بتوانم بگویم اولین تئاتری که بازی کردم ۱۳ ساله بودم. در حقیقت به جای این‌که اولین تئاتر را ببینم، خودم در آن بازی کردم. ماجرا این‌گونه بود که من یك پسرخاله داشتم و او پیشنهاد کرد بیایید تا تئاتری اجرا کنیم. ما با هم نمایشنامه‌ای به نام «عیددیدنی» نوشتیم و سپس اجرا کردیم، اما در نهایت کتکش را هم خوردیم، زیرا در حیاط منزل خودمان آن را اجرا کردیم، مادرم خانه نبود و برای این‌که پرده جلوی سن داشته باشیم، پرده خانه‌مان را کنده بودیم و جلوی ایوان نصب کرده بودیم. وقتی مادرم اینها را دید با جارو دنبال‌مان کرد

من همیشه دوست داشتم آثار شکسپیر مثلا شاه لیر را کار کنم و نقش دلقك او را بازی کنم. یك شخصیت خاص است. من ایده‌آلیست هستم و احساس نمی‌کنم پیر شده‌ام و نقش‌هایی هست که منتظرم آنها را بازی کنم.

نمایش جنگ

بهزاد فراهانی و بازمانده‌های جنگ

برگزاری مراسم افتتاحیه برای نمایش‌ها با حضور مهمانانی که بتوانند ما را راغب به انتخاب تماشای این نمایش‌ها کنند، حالا چند سالی است به روالی معمول در تئاتر ایران تبدیل شده است. یکشنبه‌شب نیز یك نمایش به فراخور همین روال، با حضور بهزاد فراهانی افتتاح شد. منظورمان نمایش «مثل هیچ کس» به کارگردانی مسعود رحیم‌پور است که اجرای خود را یکشنبه ۶ مرداد در تماشاخانه ماه حوزه هنری آغاز کرد. بهزاد فراهانی، هنرمند پیشکسوت تئاتر، تلویزیون و سینما آن‌طور که ایران‌تئاتر نوشته، در ابتدای این مراسم با ابراز خرسندی از این‌که در شرایط کنونی با وجود آن که تولید تئاتر با مشکلات و مرارت‌های فراوانی همراه است، گفت: این‌که چند هنرمند تئاتر در این اوضاع که شرایط سختی را پشت سر می‌گذاریم، متمرکز و معطوف به تولید یك اثر نمایشی برای عرضه به علاقه‌مندان و مخاطبان شوند، به خودی خود ارزشمند است و جای تقدیر و تشکر فراوان دارد.

این شب‌ها تهران شاهد روی صحنه رفتن نمایش‌هایی است درباره چهره‌هایی حقیقی از دنیای هنر، فلسفه و ادبیات جهان؛ تئاتر ایران پس از گرایش سینمای ما به چهره‌های سیاسی، به دنبال چیست؟

والتر بنیامین در چهارسو، مارلون براندو در خیابان آبان

صابر محمدی
گروه هنر و ادبیات

آیا ما در حال گام گذاشتن بر سیاره‌ای دیگر هستیم؟ چه شده است؟ نکند برگردیم خوب دور و برمان را بنگریم و به‌ناگهان ببینیم که در آخرالزمانی با غبار غلیظی از تاریخ به سر می‌بریم؟ نترسید، خیلی هولناك نیست.

فقط ظاهرا همه چیز دارد تغییر می‌کند و هر تغییری، چه ما را با افق‌های روشن و چه با کوره‌راه‌هایی تاریك مواجه کند، در نگاه نخست می‌تواند تردیدآلود و ترسناك به نظر برسد. هیچ فکر کرده‌اید که به‌ناگهان در سینمای ایران چه اتفاقی افتاد که چند کارگردان، بسیار متمرکز و پیگیر رفتند چسبیدند به سال‌های دهه‌های گذشته و به‌خصوص ۵۰ و ۶۰؟ چه شد که یکهو مهندس بازرگان و دکتر مصدق و رزم‌آرا و سازمان مجاهدین و جهان پهلوان تختی و آیت‌ا... کاشانی برای مخاطبان سینما مهم‌تر از محمدرضا گلزار و فوق‌ستاره‌ها شدند؟ چند سال پیش، پای گفت‌وگو با سردبیر یکی از روزنامه‌ها نشستیم. او گفت روزی می‌رسد که برای مردم پشت‌پرده‌های زندگی سیدحسن خمینی از زرق و برق و حواشی زندگی مهناز افشار مهم‌تر می‌شود. او می‌گفت، رسانه‌ها، به‌ویژه آنها که علاقه‌مند به نوشتن پیرامون زندگی و زمانه چهره‌های مشهور هستند، آرام‌آرام به این سمت خواهند رفت، همان‌طور که خود آن سردبیر، همان روزی که با او به گفت‌وگو نشسته بودیم، در روزنامه‌اش همین کار را می‌کرد و آن‌قدر با سیاست در صفحه یك روزنامه‌اش ور رفته بود که آن را خواندنی کند برای عموم. جالب این‌که حالا نتایج تحقیقی منتشر شده که همین را در سطحی جهانی تایید کرده است.

حالا این را به عنوان مقدمه عرض کردیم و در گزارش این صفحه تئاتر، طبعا نمی‌خواهیم از تاثیر این تغییر گفتمانی بر سینما سخن بگوییم.

می‌خواهیم بگوییم در تئاتر هم این اتفاق، با رویکرد و سویه‌ای دیگر در حال روی دادن است. نه فقط آوردن چهره‌های حقیقی سیاست و تاریخ سیاست روی صحنه، بلکه می‌خواهیم از رویکردی تازه بگوییم که چند نمایش تازه، آن را اتخاذ کرده‌اند. آنها به جای این‌که بروند سراغ مردان سیاست و پرتره‌ای بسازند روی صحنه از زندگی و زمانه چهره‌ها، آنها را آورده‌اند وسط درامی که خودشان خلقش کرده‌اند. چهره‌هایی از ادبیات، هنر و فلسفه معاصر، این روزها روی صحنه تئاتر در تهران حضور پیدا کرده‌اند که سر و کار ما چندان با چیزهایی که از زندگی آنها می‌دانیم نیست، بلکه نمایشنامه‌نویس‌ها صرفا آنها را به صحنه‌ای که خود تماما آن را برساخته‌اند دعوت کرده‌اند تا در اختیار درام خودشان بگیرند. اینجا مشخصا درباره دو نمایش که این شب‌ها در تهران روی صحنه‌اند و چنین رویکردی نسبت به چند چهره حقیقی دنیای هنر، ادبیات و فلسفه جهان اتخاذ کرده‌اند، حرف می‌زنیم: نمایش «فرشته تاریخ» نوشته و کار محمدرضایی‌راد و نمایش «مارلون براندو» نوشته و کار مهران رنجبر.

یادداشت

ماجرای یك دعوت حقیقی

ایرج راد
بازیگر

نام‌ها و چهره‌ها همیشه برای مخاطبان هنرهای تصویری و نمایشی جذاب بوده‌اند. مردم به نام‌هایی که می‌شناسند گرایش دارند و همواره کنجکاوی‌ها پیرامون زندگی و زمانه آنها سبب شده آثاری که به دنبال پاسخ‌هایی درخور برای رفع این کنجکاوی‌ها برمی‌آیند با اقبال مواجه شوند؛ از مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی گرفته تا نمایش‌ها. مثلا سطح تاثیر مارلون براندو که حتی فراتر از سینماست می‌تواند فی‌نفسه نمایشی را جذاب کند. نکته‌ای که حضور این چهره‌های حقیقی را در دنیای نمایش برای مخاطب تئاتر مهم می‌کند، چندان ربطی به حوزه فعالیت آن چهره ندارد. مهم میزان موفقیت چهره در عصر خویش است.

با این حال، مهم‌تر از همه اینها شیوه پرداختن به این چهره‌ها در هنرهای نمایشی است. شاید به نظر برسد یك نمایش، در همان آغاز کار به خاطر انتخاب چهره‌ای حقیقی که خیلی‌ها آن را می‌شناسند، بیشتر مسیر موفقیت را طی کرده است، اما این فقط آغاز راه است.

باید دید، این چهره چگونه در قالب یك اثر نمایشی پرداخت شده است. این است که یك اثر نمایشی موفق درباره یك چهره را از دیگر آثار نمایشی درباره چهره‌ها متمایز می‌کند. هم می‌توان سراغ روایتی خطی و سرراست از زندگی یك چهره رفت و اثری موفق را روی صحنه برد هم می‌توان او را به میان جهانی نمایشی آورد که چندان به زندگی‌اش ربطی ندارد. چهره‌ای که ما به نمایش‌مان دعوتش می‌کنیم می‌تواند صرفا طرح موضوع ما باشد و ما با استفاده از ظرفیت‌های دراماتیکی که شناخت مخاطب از آن چهره در اختیار ما قرار می‌دهد، اثری بسازیم که ارزش افزوده برای آن روایت خطی داشته باشد.

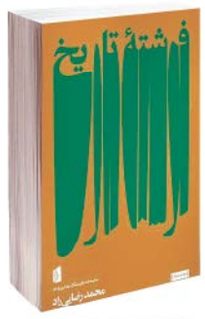

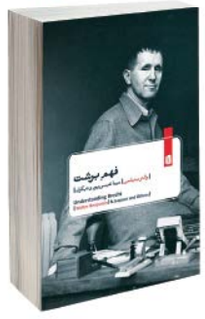

حالا که در این گزارش از بنیامین و برشت گفتیم دو پیشنهاد کتاب هم در این رابطه بدهیم: اولی نمایشنامه **فرشته تاریخ** از محمد رضایی راد که درباره مواجهه بنیامین و برشت در شب آخر زندگی آقای فیلسوف است و دومی کتابی از بنیامین درباره برشت است با نام **فهم برشت**؛ هردو را انتشارات بیدگل منتشر کرده است

نمایش «مارلون براندو»

درباره نمایش: ماجرا سال ۲۰۰۴ و در مغز مارلون براندو، بازیگر افسانه‌ای سینما می‌گذرد. او در حال مرگ است و به‌نوعی در برزخ. شخصیت‌هایی حقیقی و خیالی به مغز او می‌آیند و او را بازخواست می‌کنند: پدرش، یکی از هوادارانش و نیز دو بازیگر همکارش یعنی مرلین مونرو و ماریا اشنایدر. مونرو و اشنایدر، براندو را به خاطر آزارهایی که به آنها رسانده مواخذه می‌کنند.

یکی از بزنگاه‌های دراماتیك این نمایش، اشاره ماریا اشنایدر به ماجرای کره در فیلم «آخرین تانگو در پاریس» برناردو برتولوچی است که هر دو در آن بازی کردند.

درباره کارگردان: مهران رنجبر را حالا به عنوان کارگردان نمایش‌های پرتره می‌شناسیم؛ او پیش از مارلون براندو، استیو جابز را در شب آخر زندگی‌اش روی صحنه آورده و دو پروژه نمایشی مشابه دیگرش که بعدها اجرا خواهند شد، مربوط هستند به آدولف هیتلر و برتراند راسل.

شخصیت‌های حقیقی

۱ مارلون براندو

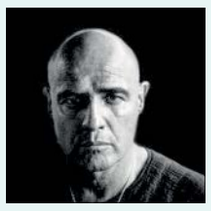

سال ۱۹۲۴ به دنیا آمد و در سالی که نمایش مورد اشاره در آن می‌گذرد یعنی ۲۰۰۴ درگذشت. شاید تحسین‌شده‌ترین بازیگر تاریخ سینما همین آقای براندو باشد.

بازیگر نقش: مهران امام‌بخش

بازیگر و کارگردان است و متولد سال ۱۳۴۹. گریمش متناسب با میانسالی‌های براندوست. در نمایش‌های بسیاری روی صحنه رفته و خودش نمایش‌های آنتیگون، بانوی سپیده‌دم، پیش از صبحانه، خدا را هجی کن و... را کارگردانی کرده است.

۲ مرلین مونرو

در حالی که ۳۶ سال بیشتر از تولدش نمی‌گذشت در سال ۱۹۶۲ درگذشت. در اوج محبوبیت و شهرت. در نمایش مارلون براندو بارها به معروف‌ترین لقب او یعنی بلوند احمق اشاره می‌شود.

بازیگر نقش: سارا رسول‌زاده

او را بیشتر به بازیگری در سینما و تلویزیون می‌شناسند، اما جالب است بدانید فوق‌لیسانس کارگردانی دارد و کارش را با تئاتر عروسکی شروع کرده و پس از آن در نمایش‌های مهمی چون «یرما»ی علی رفیعی روی صحنه رفته است.

۳ ماریا اشنایدر

اشنایدر با بازی در فیلم «آخرین تانگو در پاریس» روبه‌روی مارلون براندو به اوج شهرت رسید. در نمایش مارلون براندو او برناردو برتولوچی را عامل بدبختی‌اش در جوانی معرفی می‌کند.

بازیگر نقش: سارا رسول‌زاده

درباره سابقه‌اش در تلویزیون و تئاتر که گفتیم، اما اینجا درباره دومین نقشی که او در نمایش مارلون براندو بازی کرده بگوییم که پر از فراز و فرود است و بازی قابل قبول او، از لحظات مهم این نمایش است.

نمایش «فرشته تاریخ»

درباره نمایش: جالب است که بدون همکاری و نزدیکی با گروهی که نمایش مارلون براندو را این شب‌ها روی صحنه اجرا می‌کند، نمایش «فرشته تاریخ» نیز یك شخصیت حقیقی دیگر را در آخرین شب زندگی‌اش روی صحنه آورده است؛ والتر بنیامین. نمایش از جایی آغاز می‌شود که بنیامین پس از به‌قدرت رسیدن نازیسم در اروپا، از راه کوهستان خود را به اسپانیا می‌رساند تا شاید بتواند با کشتی از اروپا خارج شود، اما گرفتار می‌شود و سرانجام، به آخرین صفحه از زندگی خود می‌رسد. این نمایش نیز مثل نمایش برانو، نخواسته سرراست برود سراغ زندگی و زمانه فرد مورد نظر و او را به صحنه‌ای از درامی که نویسنده و کارگردان ساخته آورده است.

درباره کارگردان: محمد رضایی راد یکی از قابل اعتناترین پژوهشگران تئاتر و نمایشنامه‌نویس‌های هم‌روزگار ماست و حالا پنج سالی است دوباره پس از سال‌ها کارگردانی تئاتر را هم از سر گرفته و در این مدت نمایش‌های موفقی را هم روی صحنه برده از جمله همین نمایش فرشته تاریخ را که خودش نوشته است.

شخصیت‌های حقیقی

۱ والتر بنیامین

این فیلسوف در ایران بیشتر به خاطر کتاب «عروسك و کوتوله»اش شناخته می‌شود. فیلسوفی زبان‌پرداز که ادبیاتی‌ها هم به همین دلیل خیلی دوستش دارند.

بازیگر نقش: میلاد رحیمی

در سینما به خاطر دو همکاری‌اش با شهرام مکری در «هجوم» و «ماهی و گربه» و در تلویزیون با چند سریال به یاد آورده می‌شود اما در تئاتر حتما نقش عمده‌تری داشته آن هم با همکاری‌هایش با محمد رضایی‌راد در گروه تئاتر خانه.

۲ برتولد برشت

یکی از نظریه‌پردازهای ادبیات نمایشی است. رضایی‌راد با مهم‌ترین نظریه او یعنی فاصله‌گذاری در نمایش «فرشته تاریخ» بازی‌های جالبی صورت داده است.

بازیگر نقش: رضا بهبودی

نشان داده از پس هر نقشی برمی‌آید. پیش از این هم چند باری بازی‌کردن نقش چهره‌های حقیقی را تجربه کرده از جمله در نقش مهندس بازرگان در مجموعه تلویزیونی «روزگار قریب». اینجا هم که برتولد برشتِ ماجراست.

۳ آسیه لاسیس

بازیگر تئاتر و کارگردانی لیتوانیایی بود و البته بیش از آن‌که به خاطر فعالیت‌های نمایشی‌اش معروف باشد به خاطر تاثیری که بر والتر بنیامین گذاشت به یاد آورده می‌شود.

بازیگر نقش: باران کوثری

باران کوثری که حالا یکی از بازیگران ثابت گروه خانه به مدیریت رضایی‌راد است و همچون نمایش فعل در فرشته تاریخ هم حضور دارد، نقش لاسیس را بازی کرده. کوثری چند سالی است در تئاتر بیش از گذشته حضور مستمر دارد.